

دانش سیاسی - ۱۴

حسین بشیویه

از بحران تا فروپاشی

کند و کاوی ماندگاری با آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی

کتابخانه

نشر نگاه معاصر

از بحران تا فروپاشی

کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی

مؤلف

دکتر حسین بشیریه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۴ / شمارگان: ۲۲۰۰ / قیمت: ۸۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۴۵-۸

کتابنامه

نشانی: مینی - شهرت محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۰۲۲-۴۴۱۹۰۲۲۰۰ پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه	: بشیریه، حسین، ۱۳۳۲
عنوان و نام پدیدآور	: از بحران تا فروپاشی: کندوکاوی در ماندگاری و آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی / حسین بشیریه.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
فروست	: دانش سیاسی؛ ۱۴.
شابک	: 978-964-9940-45-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: کندوکاوی در ماندگاری و آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی.
موضوع	: بحران مالی - تاریخ - قرن ۲۱ م.
موضوع	: سیاست جهانی - قرن ۲۱ م.
موضوع	: جنبش‌های مخالف - تاریخ - قرن ۲۱ م.
موضوع	: انقلاب - جنبه‌های اقتصادی.
موضوع	: نوسان‌های اقتصادی - ایالات متحده - تاریخ - قرن ۲۱ م.
موضوع	: اقتصاد بین‌الملل - جنبه‌های سیاسی.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ الف ۵ ب / ۳۷۲۲ HB
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۸/۵۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۱۹۸۸۶

فهرست مطالب

۷	یادداشت
۹	مقدمه

بخش نخست

بحران اقتصادی جنبش‌ها و اعتراضی در آمریکا و اروپا (۱۵)

۱۹	آمریکا: بحران، شورش، سرکوب
۲۹	بحران اقتصادی و مبارزات طبقاتی در اروپا
۳۱	اسپانیا: بحران و جنبش انقلابی
۴۱	انگلستان: بحران اقتصادی و مبارزات طبقاتی
۵۳	یونان: بحران، جنبش اجتماعی و تحول سیاسی

بخش دوم

بحران اقتصادی و فروپاشی سیاسی در شمال آفریقا (۳۳)

۶۵	مقدمه: تأثیر بحران مالی و اقتصادی جهانی بر کشورهای عرب
۷۱	تونس: از بحران تا فروپاشی دولت
۷۹	مصر: بحران و فروپاشی دولت
۹۱	لیبی: بحران، جنگ داخلی و فروپاشی
۱۰۳	مراکش: بحران و ماندگاری سیاسی

۱۱۱	پایان سخن
۱۱۲	زیرنویس‌ها
۱۱۸	نمایه

یادداشت

با پیدایش جنبش‌های اعتراضی و وقوع ناآرامیهای گسترده در نقاط مختلف جهان و به خصوص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از آغاز سال ۲۰۱۱ به بعد، و با وقوع انقلاب و تغییر نظامهای سیاسی در برخی از آن کشورها، در صدد برآدم تا نظریه‌ای را که سابقاً برای تحلیل انقلاب ایران و توضیح فرایند گذار به مردم‌سالاری در برخی از کشورها تنظیم کرده بودیم برای تحلیل تحولات سیاسی اخیر به کار ببریم، و از آن چشم‌انداز شرایط پیدایش و تفاوت در پیامدهای آن تحولات و ناآرامیها را توضیح دهیم. این نظریه بر هشت محور استوار بوده است که چهار محور آن مربوط به مبانی قدرت دولتها و چهار محور دیگر مربوط به اجتناب جنبش‌های اعتراضی و انقلابی و یا فرایند بسیج سیاسی است. انقلابهای سیاسی در همه گردهمایی این هشت عامل اند. چهار محور مربوط به مبانی قدرت دولتها عبارتند از: بحران مشروعیت، بحران کارآمدی، بحران وحدت درونی گروه حاکم و بحران در دستگاه‌های سلطه و سرکوب. از سوی دیگر چهار محور مربوط به جنبش و بسیج انقلابی عبارتند از: حجم نارضایتی عمومی، سازماندهی، ایدئولوژی انقلابی و رهبری. طبعاً در نزاعی که بین دولتها و گروه‌های مخالف در شرایط بحران پیش می‌آید، نتیجه همواره انقلاب و تغییر نظام سیاسی نیست؛ ممکن است به جای انقلاب، سرکوب سراسری صورت پذیرد و یا معامله‌ای سیاسی انجام گیرد و یا پیمانی برای گذار بسته شود. بر طبق این نظریه، همه این امکانات، و از جمله امکان انقلاب، با نحوه ترکیب

و عملکرد هشت محور مورد نظر قابل توضیح خواهند بود. کتاب حاضر نتیجه کاربرد آن نظریه بر تحولات سیاسی اخیر است.

شایان ذکر است که تدریس درسی تحت عنوان «انقلابهای خاورمیانه» در دانشگاه سیراکیوز، در طی سالهای اخیر فرصتی برایم فراهم کرد تا به گردآوری مطالب برای این کتاب و تأمل درباره تحولات اخیر بپردازم.

در همین جا باید از مساعی و کوششهای صمیمانه دوست ارجمندم آقای دکتر میرزا استانی، که در غیاب نگارنده، مسئولیت نظارت بر کل روند چاپ و نشر کتاب و اصلاح و تصحیح حروف چینی و تهیه نمایه را از روی لطف به عهده گرفتند، نهایت سپاسگزار را به عمل آورم.

حسین بشیری
آذر ۱۳۹۴

مقدمه

سال ۲۰۰۸ نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی جهان بوده است. با آغاز بحران مالی در آن سال، فصل تازه‌ای در محاسبات اجتماعی و طبقاتی و رودررویی میان نیروهای اجتماعی و دولت‌ها در کشورهای بسیار گشوده شد. کمتر کشوری از تأثیر این بحران فراگیر مصون ماند. بر سبق فرآیند عام فرایند پویش نظام اقتصاد جهانی، برای چندمین بار بحران مالی و اقتصادی گسترده‌ای امن‌گیر بیشتر کشورهای سه بحران پیشین در اقتصاد جهانی یعنی بحران دهه ۱۸۹۰، بحران رکود دهه ۱۹۳۰ و بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰ مبارزات و کشمکش‌های اجتماعی و طبقاتی گسترده‌ای پدید آورده بودند. بحران و افت و خیز در اقتصاد جهانی، موازنه افت و خیزهای سیاسی و اجتماعی به همراه آورده است. در طی این افت و خیز، اقتصاد، رفاه و رونق و اشتغال و تولید جای خود را پی در پی به کساد و بیکاری و رکود می‌دهد. دلایل این افت و خیز بی‌شک پیچیده‌اند، هرچند برخی کارشناسان اقتصاد، افزایش ظرفیت تولید بیش از اندازه را یکی از علت‌های عمده آن به شماره می‌آورند.^[۱] در بحران اخیر رشد بی‌سابقه بازار اعتبار بانکی رونق چشمگیری در اقتصاد جهانی ایجاد کرده بود اما این خود آستان بحرانی بزرگ بود که به انباشت بی‌سابقه بدهی بانک‌ها انجامید و دولت‌ها، که ظاهراً قرار بود دخالتی در اقتصاد آزاد نداشته باشند، مجبور شدند آن‌ها را از خطر فروپاشی‌های بخت‌ساز بکشند. با این حال ابعاد گوناگون بحران مالی و اقتصادی به کسری بودجه، بدهی دولت، کاهش سرمایه‌گذاری تولیدی، سیاست

ریاضت اقتصادی، کاهش نرخ رشد، افزایش بیکاری و سیاست‌های ضد رفاهی ضد کارگری انجامید.

از سوی دیگر کاهش حاکمیت ملی کشورها در امور مالی و اقتصادی (یعنی همان جهانی شدن) و یا به سخن دیگری اختیاری شدن دولت‌ها در معرض سیلاب‌های بازار جهانی، به عمومی شدن بحران دامن زد. مهم‌ترین ویژگی این بحران گسترش تعارض میان نهادهای مالی و بانکی (و دولت‌های حامی آن‌ها) و نیروی کار بویژه در کشورهای غربی بود. در دیگر کشورها همین تعارض اصلی اقتصادی با توجه به فعال بودن شکاف‌های دیگر، رنگ و روی دیگر و پیچیده‌تری یافت.

هرچند بحران مالی و اقتصادی سال‌های ۱۲-۲۰۰۸ بر حسب تأثیر متفاوت خود در مناطق گوناگون، موجی از نارضایتی و مبارزات اجتماعی و طبقاتی و نزاع و کشمکش میان دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی را به همراه آورد، اما تأثیر سیاسی آن از حیث ماندگاری یا آسیب‌پذیری دولت همه جا یکسان نبود. برخی دولت‌ها فروپاشیدند و برخی جان سالم در رند. پرسش اصلی این است که چه عواملی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری ساختارهای سیاسی اثر داشتند. استدلال ما این است که دو عامل اصلی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری دولت‌ها در شرایط بحران موثر بودند، یکی ضعف یا قدرت و حجم و اندازه جنبش‌های اعتراضی از حیث سازماندهی و بسیج و رهبری، و دوم توانمندی یا ناتوانی دولت‌ها از حیث میزان مشروعیت و کارآمدی و حفظ وحدت درونی گروه حاکم، و وفاداری نیروهای مسلح.

جنبش‌های اعتراضی بزرگ و چند ملیونی، نیروی تازه و بی‌سابقه رگ‌زدایی هستند که مدتی صحنه سیاست را اشغال می‌کنند. هر چند عناصر تشکیلاتی دهنده نیروی جنبش اعتراضی، مانند گروه‌های مخالف، رهبران و سازمان‌های سیاسی پیشتر وجود داشته‌اند، اما اینک در یک برهه زمانی از ترکیب آن‌ها موجود تازه‌ای پدید می‌آید که با انرژی، آگاهی و هدفمندی پیش می‌رود. لازمه پیدایش و تداوم این نیرو و پدیده جدید، بسیج، ارتباطات، تبلیغ، گردآوری منابع، رهبری و هدایت و تصویری از آینده‌ای مطلوب و مبهم است.^[۱]

بر اساس نظریه بالا، هر جا از یک سو حجم و سازمان و رهبری و برد جنبش

اعتراضی محدود بود و یا دولت پیشاپیش با مشکل قانونیت و مشروعیت عمده‌ای روبه‌رو نبود، و یا دستگاه‌های دیوانی توانایی کافی برای رسیدگی به بحران را دارا بودند و یا شکاف و نافرمانبرداری در درون دستگاه‌های سرکوب یا ضد شورش پدیدار نشد و وحدت درونی گروه‌های حاکم به واسطه بحران و مبارزات اجتماعی و جنبش اعتراضی از میان نرفت، دولت‌ها «ماندگار» شدند. این صورتبندی در مورد برخی کشورهای غربی که با بحران و جنبش‌های اعتراضی مواجه شدند، صادق بوده است. از سوی دیگر مرجع دولت پیشاپیش به بحران قانونیت و کارآمدی گرفتار بود و یا پیدایش بحران مالی و اقتصادی آن دو بحران را تشدید کرد و بویژه هر جا به واسطه تأثیرات بحران اقتصادی رگسترش مبارزات اجتماعی، به وحدت درونی گروه‌های حاکمه و به وفاداری نیروهای نظامی و انتظامی آن‌ها آسیب رسید، و نیز جنبش‌های انقلابی از حیث بسیج و سازماندهی و بُرد پر حجم‌تر بودند، دولت آسیب‌پذیرتر و شکننده‌تر بود و کار به فروپاشی و تغییر رژیم انجامید. این صورتبندی بر کشورهای چون تونس، مصر و لیبی صادق بود.

مابین این دو وضع، درجات گوناگونی از بحران و جنبش و واکنش رخ داد که نمونه‌ای از آن‌ها را می‌توان در برخی دیگر کشورهای (مانند مراکش و یونان) یافت که نه تماماً ماندگار و نه کاملاً آسیب‌پذیر بودند. بنابراین، مفهوم تحلیلی و اساسی این پژوهش «ماندگاری سیاسی» و «شکندگی یا آسیب‌پذیری سیاسی» دولت‌ها در شرایط بحران است که با بهره‌گیری از چند متغیر نامبرده توضیح داده می‌شوند.

مفهوم ماندگاری سیاسی در مقابل شکندگی و آسیب‌پذیری سیاسی را می‌توان از مفاهیم مشابه در حوزه زیست‌شناسی و مطالعات محیط زیست اقتباس کرد.^[۳] در زیست‌شناسی، ماندگاری یا پایداری به تداوم زندگی و سلامت و مولدیت سیستم‌های زیستی اشاره می‌کند. نظام‌های سیاسی ماندگار و پایدار مانند نظام‌های زیستی و طبیعی ماندگار ویژگی‌هایی دارند که می‌توان آن‌ها را به منظور تحلیل سیاسی دسته‌بندی کرد و یا، از چشم‌انداز سیاست‌گذاری تقویت نمود. بازسازی شرایط زیستی نظام و تطبیق آن با شرایط مطلوب، مفهوم اساسی در این گونه چشم‌انداز اصلاحی خواهد بود. از لحاظ تحلیلی برخی شرایط مانند فرسودگی اجزاء، مصرف بیش از حد برخی

منابع و کسری برخی منابع دیگر، ضعف ارتباط با جامعه و با نظام‌های دیگر و جز آن به ماندگاری نظام سیاسی آسیب می‌رساند. در این نوشتار، ماندگاری سیاسی را در چند مفهوم تعریف کرده‌ایم و این مفاهیم را برای ارزیابی و سنجش ماندگاری یا شکنندگی و آسیب‌پذیری نظام‌ها در شرایط بحران به کار برده‌ایم. چنانکه گفتیم، این شاخص‌ها عبارتند از: قانونیت و مشروعیت، کارآمدی و توانایی مدیریت، پاسداری از یگانگی و وحدت درونی و توانایی اعمال سلطه.

در این کتاب نخست به بررسی بحران مالی و اقتصادی سالهای ۱۲-۲۰۰۸ م. پرداختیم و سپس جنبش‌های اعتراضی و انقلابی عمده‌ای را که به واسطه آن بحران رخ نمود، ردایا، ماندگاری یا آسیب‌پذیری دولت‌ها در مقابل آن‌ها را در چند کشور توضیح می‌دهیم. در مورد نخست تأثیرات بحران مالی و اقتصادی جهانی را بر اقتصاد ملی و ایجاد جنبش‌های اجتماعی بررسی می‌کنیم و سپس ساختار جنبش‌های اعتراضی را از حیث توانایی بسیج عمومی نارضایتی‌ها، سازماندهی و رهبری و بُرد اجتماعی توضیح می‌دهیم. در بخش دوم، ساختار قدرت دولتی و ماندگاری یا آسیب‌پذیری آن از لحاظ مبانی مشروعیت، میزان کارآمدی، وحدت درونی و توانایی سرکوب را مطالعه می‌کنیم.

دوم مفهوم بنیادین کارآمدی و یا آسیب‌پذیری دولت را می‌توان در سطح تحلیلی عمیق‌تری به دو نوع مبارزه اجتماعی یا طبقاتی و بحران اقتصادی پیوند داد. بحران اقتصادی نه تنها با ایجاد نارضایتی، طبقات پایا را به اعتراض می‌کشاند، بلکه با ایجاد خطر برای منافع مستقر، طبقات بالا را نیز به عرصه مبارزه می‌آورد.^[۴] مبارزه طبقات و گروه‌های مسلط از بالا بویژه در شرایط بحران آشکارتر می‌شود. در زمان بحران اقتصادی، خصلت طبقاتی دولت‌ها نیز به همین دلیل آشکارتر می‌گردد. نمایشگاه‌های اصلی مبارزه طبقات مسلط برای حفظ قدرت خود، بازار بورس، خزانه‌داری دولت، بانک‌های مرکزی و موسسات مالی و بانکی هستند. هدف اصلی این مبارزه، تمرکز سرمایه، کاهش مالیات بر ثروت و بر شرکت‌ها، کاهش بودجه رفاهی دولت، وضع قوانین کار محدودکننده و جز آن است. نزاع بر سر بودجه و افزایش یا کاهش مالیات‌ها و هزینه‌های عمومی و میزان خدمات رفاهی و جز آن همگی جلوه‌های گوناگون این مبارزه‌اند.^[۵]

مهمترین نمود مبارزه طبقاتی از بالا، تحمیل سیاست ریاضت اقتصادی بر عامه مردم و سیاست‌های مربوط به مالیات و اشتغال است. در شرایط بحرانی دولت‌ها میان طبقات بالا و پایین گیر می‌افتند و باید با افزایش یا کاهش مالیات‌ها و یا تغییر سیاست رفاهی در آن میان تصمیم‌گیری کنند. در سالهای اخیر، در شرایط بحران اقتصاد جهانی، در برخی از کشورها، مبارزات از پایین و بسیج نارضایتی عمومی و سازماندهی و رهبری آن در قالب ایدئولوژی اعتراضی روی هم رفته ضعیف و یا ناچیز بود ولی، در مقابل، مبارزات از بالا در قالب دولت «قانونمند»، «کارآمد» و «یکپارچه» توانست، وضع سیاست‌های اقتصادی لازم و یا کاربرد خشونت دولتی، مبارزات اجتماعی را پای و یا جنبش‌های اعتراضی را در هم نوردد. برعکس در برخی دیگر از کشورها جنبش‌های اعتراضی و مبارزات اجتماعی نیرومندتر از پایین، با بسیج عمومی، توانستند مبارزات طبقاتی از بالا را خنثی کنند. این در شرایطی ممکن بود که ساختار دولت از قانونمندی و مسووعیت و کارآمدی و یکپارچگی لازم برخوردار نبود و یا در روند مبارزات اجتماعی وحدت و توان سلطه خود را از دست داده و از این رو آسیب‌پذیرتر و شکننده‌تر شده بود.

در این کتاب با کاربرد چارچوب نظری بالا، چند نمونه از ماندگاری سیاسی و چند نمونه از آسیب‌پذیری دولت را بررسی می‌کنیم. ایالات متحده آمریکا، انگلستان، اسپانیا و مراکش چند نمونه از ماندگاری سیاسی هستند. در مقابل دولت‌های تونس، مصر و لیبی پیش از انقلاب آسیب‌پذیر و شکننده از کار درآمدند. ما در این کتاب نه تحلیل کامل تاریخ جنبش‌ها و یا دولت‌ها و نه تفصیل بحران اقتصاد جهانی، بلکه تنها مطالعه تطبیقی ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی در شرایط بحرانی است. از این رو محدوده بررسی ما از بحران تا سرکوب جنبش‌های اعتراضی، و یا تا فروپاشی رژیم‌ها است و در مورد انقلاب‌ها تنها به زمینه‌ها و دلایل وقوع آن‌ها علاقه‌مندیم؛ بررسی پیامدها و تحولات پس از انقلاب از حوصله نظری این نوشتار بیرون است. مفهوم مبهم انقلاب معمولاً در سه معنا به کار می‌رود: یکی به معنای جنبش انقلابی و اعتراضی؛ دوم به معنای فروپاشی رژیم حاکم، و سوم به معنای برقراری نظم جدید. منظور ما از انقلاب در اینجا تنها فروپاشی است.

اگر بخواهیم کل چارچوب نظری و مفاهیم اساسی این گفتار را در قالب تمثیلی بیاوریم تا فهم آن آسان شود، شاید تمثیل زمین لرزه برای این منظور مناسب باشد. وقتی زمین لرزه‌ای سهمگین رخ می‌دهد و شهری را به ویرانی می‌کشد، احتمالاً همه ساختمانها به یک اندازه آسیب نمی‌بینند. برخی یکسره ویران می‌شوند، برخی آسیب می‌بینند و برخی هم سالم باقی می‌مانند. پرسش این است که چرا اندازه آسیب یکسان نیست. طبعاً پاسخ به این پرسش را باید تا اندازه زیادی در پایداری یا شکنندگی خود ساختمانها یافت. زمین لرزه، فروپاشی ساختمانهای سست و شکننده را پرشتاب می‌کند، درحالی که ممکن است ساختمانهای محکم و مقاوم و ضربه‌پذیر آسیب چندانی نبینند. اساس این تمثیل، ماندگاری و مقاومت یا شکنندگی و آسیب‌پذیری نظامهای سیاسی، شرایط بحران عمومی، به استحکام شالوده‌های آنها، یعنی مشروعیت، کارآمدی، وحدت درونی و توان مقابله آنها بستگی دارد.